

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: سلمان رفیع شیخ
برگردان: م. قربانی
۲۴ می ۲۰۲۴

فلسطین و افول دمکراسی نئولیبرالی



میزان عظیم تخریب زندگی در فلسطین از سوی غرب و حمایت‌های (غیر)اخلاقی و مادی که اسرائیل از امریکا و متحدانش در اروپا دریافت کرده است، کافی بود تا اعتبار، مشروعیت و مقبولیت مفاهیم غربی از دمکراسی را به عنوان ایده‌ای که باید جهانی شود، زیر سؤال ببرد. جنگ‌های اسرائیل موجب تظاهرات بزرگی در غرب علیه حمایت آن از چیزی است که اکنون آشکارا یک نسل‌کشی نامیده می‌شود. اما دولت‌های به اصطلاح منتخب دمکراتیک به سادگی خواسته‌های این معترضان را نادیده گرفته اند. در عوض، نخبگان نئولیبرال، که سابقه‌ای بسیار طولانی در کشتار میلیون‌ها نفر در جنگ‌های مختلف از آغاز قرن بیست‌ویکم داشته اند، نشان دادند که به ماهیت خود وفادار هستند: آن‌ها با اتخاذ سیاست‌های ضد مردمی‌شان تمایز شدیدی بین خواست‌های مردم و تصمیمات سیاسی واقعی به وجود آورده اند، و همچنان به آن ادامه می‌دهند. تحقق خواست‌های مردم حایز اهمیت است، زیرا این یک ادعای اساسی دمکراسی است. از قضا، این ادعائی است که در بیشتر موارد نقض می‌شود.

تظاهرات مستمر در دانشگاه‌های سراسر امریکا علیه اسرائیل و متعاقب آن سرکوب دانشجویان تنها ادامه منطقی و غیر قانونی بودن الگوی سیاست نئولیبرالی است، وضعیتی که باعث می‌گردد انتقاداتی که از سوی غرب بر نظام‌های سیاسی غیر غربی به دلیل «دمکراتیک» نبودن وارد می‌شود، همانقدر غیرمنطقی باشد. (تا زمان نوشتن این یادداشت) بیش از صد دانشجو تنها به خاطر تظاهرات کاملاً صلح‌آمیز دستگیر شده اند. دانشگاه‌هایی که قرار است جانی برای

بحث و تأمل انتقادی برای بهبود جامعه باشند، بیش از آن که در خدمت منافع مردم امریکا باشند، در کنار قشر ممتاز سیاسی نئولیبرال قرار می‌گیرند. از این‌رو، آن‌ها به زور متوسل می‌شوند.

خانم نعمت شفیق، رئیس دانشگاه کلمبیا، گفت که به پولیس اجازه داده است که ده‌ها چادر را که از سوی معترضان برپا شده بود پاکسازی کند، زیرا آن‌ها قوانین و سیاست‌های دانشگاه را با برگزاری تظاهرات غیرمجاز زیر پا گذاشته و تمایلی به تأمل با مدیران نداشتند. دانشگاه کلمبیا و سایر دانشگاه‌ها میلند با ایجاد فضائی پولیسی جامعه را اداره کنند، اکنون دانشجویان را به دلیل شرکت در فعالیت‌ها تعلیق می‌کنند - فعالیت‌هایی که همه این دانشجویان در واقع از همان کلاس‌هایی که این دانشگاه‌ها ادعا می‌کنند بهترین فضاهای یادگیری در جهان هستند، آموخته اند. شگفت‌آور این‌که این دانشگاه‌ها و خادمین‌شان تصور نمی‌کردند که دانشجویان آن‌ها آموخته‌های خود را به سلاحی برای مخالفت تبدیل کنند. سؤال اینجاست که چرا این کنشگری تا این حد برای زعمای جامعه آزار دهنده است؟ نگاهی به خواسته‌های آن‌ها ممکن است به روشن کردن این موضوع کمک کند.

از جمله مطالباتی که دانشجویان مطرح می‌کنند، مواردی است که مستقیماً به منطق نظامی شده بنیاد مادی غرب ضربه می‌زند. به عنوان مثال، یکی از خواسته‌ها این است که این دانشگاه‌های قدیمی و مشهور (بخش شرقی امریکا مانند هاروارد، پرینستون، نیل و کرنل)، ارتباط خود را با سازندگان و شرکت‌های تسلیحاتی مرتبط با ارتش اسرائیل افشاء کرده و از آن خارج کنند. این خواسته با نارضایتی فزاینده نسبت به خود نظام مرتبط است، نظامی که تنها در دو دهه گذشته میزان جنگ‌ها و فلاکتی را که رقم زده است، بیش‌تر از تولید توسعه و افرادی است، که از خط فقر خارج کرده است. این نارضایتی مبنای تجربی درستی دارد، یعنی عدم پاسخگویی سیستم به مطالبات.

نظرسنجی دسمبر سال ۲۰۲۳ نشان داده است که ۶۱ درصد از رأی دهندگان امریکائی از آتش‌بیس فوری در فلسطین حمایت کرده اند. به عکس، تنها ۱۱ درصد از نمایندگان کنگره به آتش‌بیس دایم رأی دادند، که نشان دهنده شکاف سیاسی بزرگی است که بین نخبگان و توده‌ها وجود دارد. آنچه این الگو نشان می‌دهد این است که تنها یک اقلیتی از زعمای عملاً بر نظام امریکا حکومت می‌کنند. این اقلیت کوچک از اکثریت، یعنی جوانانی که به وضوح مخالف جنگ جنایتکارانه اسرائیل هستند هراس دارد، از این‌رو حاضر است از همه ابزارهای موجود برای سرکوب اکثریت به نام «نظم و قانون» استفاده کند. اما در واقع، همان‌طور که بررسی‌های اخیر نشان می‌دهد، تنها جامعه امریکا را قطبی‌تر می‌کند.

اگر هدف اصلی رهبری منتخب ملی پر کردن این شکاف‌های قطبی شده باشد، رئیس‌جمهور امریکا تنها در چند ماه گذشته شکاف‌ها را افزایش داده است. برای نمونه، لایحه اخیر مصوب کنگره امریکا، به دولت ایالات متحده اجازه داده است که میلیاردها دلار کمک نظامی به اسرائیل ارائه کند، پولی که اسرائیل از آن مستقیماً برای کشتن غیر نظامیان بی‌گناه فلسطینی از جمله کودکان استفاده خواهد کرد. منطقی که بایند از ۷ اکتوبر به بعد در حال پیشبرد آن است، منطقی است که اسرائیلی‌ها ظاهراً آن‌را «حق دفاع از خود» می‌نامند.

این نارضایتی به روش‌های بی‌شماری در ایالات متحده گسترش می‌یابد و فضا را برای پوپولیست‌های راست‌گرایی مانند دونالد ترامپ باز می‌کند تا به عنوان تهدید بزرگی ظاهر شود و بخش عمده‌ای از جمعیت ایالات متحده را به سوی افراط سیاسی دیگر سوق دهد، مانند آنچه منجر به حمله به کنگره امریکا در سال ۲۰۲۱ شد. بایند آن حمله را حمله علیه دموکراسی نامید، اما رفتار خود بایند به عنوان رئیس‌جمهور، مظهر اشکال دیگر حمله به دموکراسی است، نه تنها در ایالات متحده، بلکه در جاهای دیگر جهان. در واقع، حمایت از رویکرد اسرائیل در قبال فلسطین، به منزله حمایت از ایده‌های سیاسی فاشیستی، بی‌احترامی به حقوق اساسی انسان و جان‌های آن‌ها، و حمایت از یک ماشین کشتار

سراسری است که با هم‌نوعان خود به مثابه غیرانسان‌هائی رفتار می‌کند که برای حفاظت بیش‌تر از منافع اسرائیل، باید نابود شوند .

جالب توجه این‌که واکنش به این فاشیسم که خود را دمکراسی معرفی می‌کند از درون جامعه امریکا ظهور پیدا می‌کند، واقعیتی که ارتباط دادن آن به دست‌های خارجی را برای زعمای امریکائی بسیار دشوارتر می‌کند. این یعنی بحران نظام. آنچه باید دید این است که آیا این سیستم می‌تواند آن‌را حل کند یا خیر. به احتمال زیاد، فقط آن را تشدید خواهد کرد.

برگرفته از: نیو ایسترن آوتلوک

منتشر شده در تاریخ: ۷ مه ۲۰۲۴